



خانواده ما اذان می گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع ها شناسنامه می دادند و به تناسب شغل و حرفه، نام خانوادگی را انتخاب می کردند، به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره ای؟ گفته بود موذن، گفته بودند نام خانوادگی شما موذن است! زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم، گوینده ها می گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد موذن، «زاده اردبیلی» گفته شده است. لذا این «زاده اردبیلی» از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگیری را بگویم. در استودیوی شش صدا و سیما هر گوشه ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پیش می شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الا اذان خوان های هستند که تقلید می کنند از عربستان و این پسندیده نیست؛ خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الا آن ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید ۲۰ سال پیش می خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را بگویم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی شود! ولی در کل می خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

پیکر استاد رحیم موذن زاده اردبیلی، صبح جمعه ششم خرداد از مقابل بیمارستان مدائن تهران تشییع و پس از طواف حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در «ابن بابویه» به خاک سپرده شد.

### روحش شاد



او در سال ۱۳۲۹ سکنه کرد و درگذشت و من قبول کردم جای او اذان بگویم؛ تا الان که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام و مملکت کاری کرده ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکتب و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است. هر روز تلفن می زنند و می گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است؛ می دانید چرا؟! من جوابتان را می دهم برای این که باطن - اشاره به قلب - خوشگل است؛ برای این که این اذان را با دهان روزه پر کردم تا قرینه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود، نتیجه اش را هم می بینید. واعظ تهرانی در جایی گفته بود اذان همه قبول باشد، اذان است؛ اما این اذان موذن زاده آدم را وادار می کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده ما موروثی است و ۱۵۰ سال است که

بخش خیر - استاد رحیم موذن زاده اردبیلی، گوینده اذان مشهور و تاریخی جهان اسلام، پنجشنبه پنجم خرداد ۸۴ دار فانی را وداع گفت و به جوار حق شتافت.

او سال ۱۳۰۴ در شهر ولایتمدار اردبیل در خانواده ای مومن و مذهبی پای به عرصه گیتی نهاد و بیش از نیم قرن، گوینده اذان مشهور و تاریخی جهان اسلام در روح الارواح آواز بیات ترک بود.

استاد موذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی اش را اینگونه توصیف کرده بود: «من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنیا آمدم؛ در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می رفتیم؛ همه هم متدین بودند. خانواده ها در دوره ما در ابتدای امر بچه ها را با قرآن مانوس می کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدیم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد، از آنجا که او عادت داشت هر کجا که میمانی هم برود صبح، پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روز هم اذان گفت؛ امام جمعه اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می شنوم، ببینید این صدا از کجا می آید. آنها همه خانه ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ بر نامه سحری را به صورت زنده اجرا می کرد.

ای عزیز! بکوش تا صاحب عزم و دارای اراده شوی که خدای نخواستہ اگر بی عزم از این دنیا هجرت کنی انسان صوری بی مغزی هستی که در آن عالم به صورت انسان مشحور نشوی، زیرا آن عالم محل کشف باطن و ظهور سریره است.

نعمتهای ظاهره و باطنه که مالک الملوک، به ما مرحمت کرده اگر جن و انس بخواهند یکی از آنها را به ما بدهند نمی توانند و ما از آن غفلت داریم.

لازم نیست یک دعای طولانی را یک دفعه با عجله و شتاب بخوانی و تفکر در معانیش نکنی، بنده و شما حال سید سجاد بیسم را نداریم که آن دعای مفصل را با حال بخوانیم شبی یک ربع آن را یا نثت آن را با حال بخوانی و تفکر کن.

ای عزیز! نام نیک را از خداوند بخواه، قلوب مردم را از صاحب قلب خواهش کن، با تو باشد. تو کار را برای خدا بکن، خداوند علاوه بر کرامتهای اخروی و نعمتهای آن عالم در همین عالم هم به تو کرامتها می کند، تو را در دو دنیا سربلند می فرماید.

ای عزیز! بیدار شو و بنبه غفلت را از گوش بیرون کن و خواب غفلت را بر چشم خود حرام نما، و بدان که تو را خدای تعالی برای خود آفریده، چنانچه در حدیث قدسی می فرماید: «باین آدم خلقت الاشیا، لاجلک و خلقتک لاجلی، یعنی ای پسر آدم، همه چیز را برای تو آفریدم و تو را برای خود آفریدم.

ای عزیز! برادر! در مگاید نفس و شیطان دقیق شو. بدان که نمی گذارند تو بیچاره یک عمل خلصی بکنی، و همین اعمال غیر خلصه را که خداوند به فضلش از تو قبول کرده نمی گذارند به سر منزل برسانی، کاری می کنند که به واسطه این عجب و تدلل بیجا همه اعمال به باد فنا پرورد.

ای عزیز! همت کن و پرده جبل و نادانی را پاره کن و از این ورطه هولناک خود را نجات ده. حضرت مولای متقیان و یگانه سالک راه و راهنمای حقیقی، در مسجد فریاد می زد به طوری که همسایه های مسجد می شنیدند تجزوا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل، هیچ تجبیزی در سفر آخرت برای شما مفید نیافتد الا کمالات نفسانی و تقوای قلب و اعمال صالحه و صفای باطن، بی عیب بودن و بی غش بودن.

ای عزیز! اولاً مگذار مفاسد اخلاقی یا عملی در مملکت ظاهر و باطنت وارد شود که این خیلی سبتر است از آن که بعد از ورود بخواهی اخراج آنها کنی.

اولیای خدا آتی راحت نبوندند و از فقر این سفر پر خوف و خطر بیرون نمی روفتند، حالات علی بن الحسین بیسم، امام معصوم، حیرت انگیز است، ناله های امیرالمؤمنین بیسم، ولن مطلق، بت آور است، چه شده که ما این طور غافلیم؟

ای برادر! عزیز، که یکی از مراتب نفاق و دورویی و دو زبانی، نفاق با خداوند متعال و دو رویی کردن با مالک الملوک و ولی التمم است که ما در این عالم مبتلای به آن هستیم و از آن غافلیم.

ای های دل غافل! از خواب برخیز و مبنای سفر آخرت شو. فقد نودی فیکم بالرحیل صدای رحیل و بانگ کوچه بلند است. عمال حضرت عزرائیل در کارند و تو را در هر آن به سوی عالم آخرت سوق می دهند و باز غافل و نادانی.

ای عزیز! تو اگر عار نداری از طلب دنیا، لاقال از مخلوق ضعیف که مثل خود تو است طلب مکن. بپهم که مخلوق را قدرتی نیست برای تعمیر ندای تو؛ کیرم که با هزار منت و ذلت اراده او را جلب کردی، اراده او در ملک حق کار کن نیست و کسی را تصرفی در مملکت مالک الملوک نیست.

ای عزیز! مطلب بس مهم، و راه خیلی خطرناک است. از جان و دل بکوش و در پیشامدهای دنیا صبر و بردباری را پیشه خود کن و در مقابل بیلیات و مصیبات، مردانه قیام کن و به نفس بغمان که جزع و بیتابی علاوه بر آن که خود، ننگی بزرگ است، برای دفع بیلیات و مصیبات فایده ای ندارد.

ای عزیز! مبادا شیطان و نفس اماره وارد شوند بر تو و سوسه نمایند و مطلب را بزرگ نمایش دهند و تو را از توبه منصرف کنند و کار تو را یکسره نمایند.

تمام آتش دوزخ و عذاب قبر و قیامت و غیر آنها را که شنیدی و قیاس کردی به آتش دنیا و عذاب دنیا، اشتباه قیمیدی، بد قیاس کردی. آتش این عالم یک امر عرض سردی است، عذاب این عالم خیلی سیل و آسان است، ادراک تو در این عالم، ناقص و کوتاه است، همه آتشیهای این عالم را جمع کنند روح انسان را نمی تواند بسوزاند، آتجا آتشش علاوه بر این که جسم را می سوزاند روح را می سوزاند، قلب را ذوب می کند، جنم اعمال تو است که در آتجا حاضر می بینی که خدای تعالی می فرماید و وجدوا ما معلوا حاضر.

ای عزیز! قلوب اولیا، را به نور محبت منور فرمودی و لسان عشاق جمال را از ما و من فروبستی، دست فرومایگان خودخواه را از دامن کبریایی کوتاه کردی، ما را از این مستی غرور دنیا هشیار فرما و از خواب سنگین طبیعت بیدار و جبهایی غلیظ و پرده های ضخیم خود پسندی و خود پرستی را به اشارتی پاره کن. برگرفته از کتاب چهل حدیث

## مدرسه شهید صدوقی ۴ اختتامیه طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری

نکرده ایم؛ اما آنچه که هست ملاصدرا در مباحث فلسفی این مطلب را از قول حکماء و دانشمندان مطرح می کنند، و به معصومی هم نسبت نمی دهند و منظورشان درباره خدائشناسی است که برای شناخت خدای متعال هر کسی یک راهی دارد و با توجه این که هر کسی یک علم حضوری نسبت به خدا دارد و در همان حد نیز خدا را می شناسد، شناخت بیشتر از طریق علم حضوری، نیازمند رسیدن انسان به کمالات بالاتری است و از طریق علم حصولی هم راهش این است که بیشتر درس بخواند و استدلال بر وجود خدا را از طریق علم حصولی یاد بگیرد؛ اما این که تهذیب اخلاق یک نحو بیشتر ندارد مقصودش این است که برای رسیدن به فضائل و کمالات اخلاقی راه کلی همان است که خدای متعال تعیین کرده و معصومین علیهم السلام بیان نموده اند. لذا کسی نمی تواند بگوید من هم می توانم طریقی ابداع کنم تا کمالات اخلاقی در من رشد کند؛ چون هدف اخلاق رسیدن به قرب خداوند متعال است و لذا قرب خدا از همان راهی حاصل می شود که خود خداوند تعیین می کند. البته این مطلب با دستورالعمل های اخلاقی که علمای اخلاق برای هر شخصی دستور خاصی را توصیه می نمایند منافات ندارد.

بخش خیر - مراسم اختتامیه طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری، سه شنبه بیست و هفتم اردیبهشت در فاز چهارم مدرسه علمیه شهید صدوقی قم برگزار شد.

در این مراسم حجة الاسلام و المسلمین مجتبی مصباح به پرسشهای طلاب این مدرسه پاسخ گفت و در جواب این سوال که چگونه عقل می تواند جانشین نبوت باشد با توجه به این که بعضی از مسائل از دسترس عقل خارج است؟ اظهار داشت: شهید مطهری در بحث نبوت، نبوت را تقسیم می کند به تشریحی و تبلیغی و معتقد است در بخش نبوت تبلیغی در امم سابق و به دنبال بعثت انبیاء سابق، گاه لازم می شد که آن نبوت و پیام آن نبی به وسیله انبیاء تبلیغی تبلیغ شود؛ البته تبلیغ برای و شریعت جدید نبود، یعنی پیغمبر بعدی که می آمد نمی خواست که شریعت جدیدی بیاورد؛ منتها به دلایلی نیاز بود که این شریعت به وسیله یک نبی تبلیغ شود؛ مثلاً برای این که پیام آسمانی نبی سابق مورد تحریف قرار نگیرد، انبیاء تبلیغی می آمدند از زمان تحریف جلوگیری می کردند. ولی فلسفه این نبوت در زمان پیامبر صلوات الله علیه، از بین می رود برای این که کتاب پیامبر ما

قرآن - بدون هیچ گونه تحریفی در میان ما باقی است. بنابراین برای تبلیغ این دین لازم نیست رأساً شخصی از طریق وحی آن پیام را بگیرد و برای مردم بیان کند؛ لذا بر عهده علمای دین است که احکام را استنباط کنند و برای مردم بیان کنند، شهید مطهری چند نقش برای عقل ذکر کرده اند از جمله: استنباط احکام از متون دینی گرچه این نقش را عقل قبلاً هم داشت، ولی چون منابع دینی بدون تحریف باقی ماندند لذا عقل می تواند احکام از متون دینی استنباط کند و از این جهت نیازی به نبوت تبلیغی نیست و دیگر عقل تطبیق مصادیق بر قوانین کلی است که فقهای ما همین را به کار می گیرند؛ وقتی قاعده های فقهی بیان می شود تطبیقش بر مصادیق و مسائل فرعی فقهی بر عهده عقل است و این کار کرد را عقل همیشه می تواند داشته باشد؛ ولی باز متوقف بر این است که آن دین چنین قوانین عامی داشته باشد که عقل بتواند آنها را در مصادیق خاصی پیاده کند. چون یکی از ویژگیهای دین اسلام این است که قوانین عام و جهانشمول آورده و شامل همه زمانها و مکانها می شود؛ اگر چنین قوانین عامی باشد آن وقت عقل می تواند قوانین فرعی تر را خودش از روی آنها استنباط کند. پس مقصود از عقل و کارکرد عقل این نیست که مصالح همه احکام را خودش تشخیص دهد و جای نبوت بنشیند.

وی در پاسخ این سوال که شهید مطهری به صورت گذرا مطرح کرده اند که تهذیب اخلاق یک نحو بیشتر ندارد این مطلب با توجه به حدیث الطریق الی الله بعدد انفس الخلاق چگونه جمع می شود؟ گفت: اولاً ما مدرس این حدیث را پیدا



## پاسداشت مقام شهدای مدرسه قدیری

بخش خیر - یادواره شهدای روحانی مدرسه علمیه قدیری قم، جمعه ششم خرداد با حضور مسئولین، طلاب و فضلاء این مدرسه و با سخنرانی حجة الاسلام و المسلمین پناهیان برگزار شد.

خطیب این مراسم ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای گرانقدر هشت سال دفاع مقدس و تجلیل از مقام شامخ آنان، روح و زیبایی در عبادات را محاسبات دقیق تاجرانه و عارفانه با خدای سبحان دانسته و اظهار داشت: گرچه به ظاهر، عبادت و رفتار عارفانه و عاشقانه با عبادت و رفتار تاجرانه متفاوت است و در مقایسه بین این دو رفتار، نازیبانی های رفتار تاجرانه مورد توجه قرار می گیرد، اما آنچه مهم است و نیست و روایات بر آن صحه گذاشته اند، تاجرانه بودن عبادت عارفانه و عاشقانه می باشد؛ زیرا این طور است که هر کس عاشقانه و عارفانه در راه خدا جان می دهد اهل محاسبه نباشد و بی حساب و کتاب معامله می کند؛ در حالی که قرآن می فرماید: یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تتجیکم من عذاب الیم تتمونن بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیله باموالکم و انفسکم؛ و همچنین حضرت امیر

علیه السلام در این باره می فرماید: صبروا ایاماً قصیره اعتقبتهم راحة طویلة، تجارة مربحة... نهج البلاغه، ج ۱۳ بنابراین همه اینها دلالت دارد به این که آنهایی که روح بلند عاشقی، و ویژگیهای عارفان کامل را دارند با صبر و جهاد در راه خدا با پروردگار خود معامله و تجارت پرسودی برقرار می کنند، پس در عبادت عاشقانه و عارفانه، عبادت تاجرانه به هیچ وجه حذف نمی شود.

حجة الاسلام و المسلمین پناهیان در ادامه با بیان اثرات وجود عبادت تاجرانه در عبادت عارفانه و عاشقانه خاطر نشان نمود: توجه به این مطلب و مورد غفلت قرار ندادن تجارت حداقل دو اثر دارد؛ گاهی انسان خود را اهل دل، اهل خدا و اولیای خدا می داند اما غافل از این است که اهل محاسبه دقیق تاجرانه برای اوقات، حرکات و سکنات و زیناتش نیست. در صورتی که اولیای خدا اهل تجارت و معامله با خدا هستند و علاوه بر آن، روح زیبایی و عشقنازی را بر کارشان می دمند و به آن رنگ زیبا می دهند. لذا اگرچه ائمه طاهرین علیهم السلام عبادت عاشقانه و شاکرانه را بر عبادت تاجرانه ترجیح می دهند ولی ما نمی توانیم همانند آنها بگوییم چون اهل عبادت عاشقانه هستیم پس بهشت نمی خواهیم. همچنین عبادت تاجرانه که خوفاً من العقاب و خوفاً من النار باشد در خودسازی جوانان تاثیر بسزایی دارد. مثلاً این جوانان عاشقی که در جبهه بودند، تا عشق به خدا در قلب آنها نقش می بست، عجیب تاجر مسلک می شدند به طوری که یک ثانیه از وقتشان را از دست نمی دادند؛ مداوم ذکر خدا می گفتند و تمام حرکات و سکناتشان را برای جلب رضای خدا صرف می کردند و دائماً در حال معامله با خدا بودند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: المؤمن لایلع ایامه باطلا؛ مومن هیچ وقت ایامش را باطل نمی کند. بنابراین هر چند عاشق پیشگی و عارف مسلکی دارای زیبایی عبادت است اما استحکام درونیش به تجارتش است.

یست الکترونیک: ofogh\_howzeh@hawzah.net

**افق حوزه**

هفته نامه خبری حوزه های علمی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه علمی قم

مدیر مسئول: حسن مولایی

با همکاری هیئت تحریریه

تلفن: ۷۷۴۸۳۲۱ / تلفکس: ۷۷۴۰۷۲۵

نشانی: قم - خ، آیه الله مرعشی نجفی (ارم) گذرخان شماره ۸۹

صندوق پستی: ۴۲۸۱/ ۳۷۱۸۵

**همیشه همه جا با افق حوزه در کنار حوزه**

اشتراک تلفنی ۷۷۴۸۳۲۱